

بنام خدا

تبریز در سده های نخستین اسلامی

پژوهش: سیدآقا عون اللهی
ترجمه: پرویز زارع شاهمرسی
shahmarasi@yahoo.com

ولادیمیر مینورسکی عقیده دارد که نام تبریز به صورت کنونی در منابع عربی، در دوره‌ی حمله‌ی عربها به آذربایجان نیامده است. ولی در منابع عربی به نام تبریز در سال ۲۵ ق (۶۴۵م) برمی‌خوریم. در سال ۱۴۱ ق (۷۵۸-۹م) در زمان خلافت ابوجعفر منصور، تعداد زیادی از یمانیان به همراه یزید بن حاتم از بصره به آذربایجان کوچ کردند. رواد بن المثنی الازدی از یمانیان مهاجر، حاکم منطقه‌ای از تبریز تا بد گشت، او تبریز را اقامتگاه خود کرد. زمانی که رواد به اینجا آمد، تبریز قصیه‌ای متوسط بود.

سپس وحناء پسر رواد و برادرانش در آبادانی تبریز کوشیدند. بناهایی در شهر ساخته شد و حصارش استحکام یافت. بعدها اعلی بن احمد الروادی الازدی حصار تبریز را دوباره ساخت و دروازه‌هایی بر آنها نهاد.^۱ به گمان قوی دروازه‌ی درب اعلای تبریز به نام اوست که آن را ساخته است.

در اوائل سده‌ی ۹ م دژی مستحکم در تبریز وجود داشت. بابک رهبر حرکات آزادی خواهانه علیه خلافت، در سنین ۱۶ تا ۱۸ سالگی به مدت دو سال در تبریز، خدمت محمد بن الروادی الازدی کرده و در ۱۸ سالگی نزد پدر رفت.^۲ در این زمان دژی استوار در تبریز بود. طبری در بحث از حوادث سال ۲۲۰ ق (۸۳۵م) بیان می‌کند که دو دژ به نام «تبریز» و «شاهی» در دست محمد بن بعث از نسل روادیان بوده است.^۳

محمد بن بعث که برای استقلال می‌کوشید، نخست از متحدان بابک بود و دژ تبریز را به اختیار بابک سپرده بود. او حتی عصمت الکردی فرمانده بابک و دوستانش را از نظر آذوقه تأمین می‌کرد. محمد بن بعث با مشاهده‌ی ضعف قیام بابک بر آن شد تا عصمت الکردی و دوستانش را به چنگ آورد. از این رو آنان را به مهمانی فراخواند و در سال ۲۲۲ ق / ۸۳۷ م زندانی کرده و به نزد معتصم فرستاد. خلیفه معتصم از آنان اطلاعاتی درباره‌ی عملیات جنگی می‌گیرد. عملیات علیه بابک شدت می‌یابد. پس از این حادثه خرمدینان- بابکیان با شکستهای پی در پی مواجه می‌شوند.

تبریز در این دوره اهمیت نظامی فراوان داشته و هم زمان پیشرفت نموده و گسترش یافت. ولی در سال ۲۴۴ ق (۸۵۸-۹م) زلزله‌ی بسیار شدیدی شهر را به ویرانه تبدیل کرد. به فرمان خلیفه متوکل (۸۴۷-۸۶۱م) شهر به سرعت تجدید بنا شد.^۴

در اواسط سده‌ی ۹ تبریز به مرکز صنعت و بازرگانی تبدیل شد. شهر رفته رفته رونق یافته، در اواسط سده‌ی ۱۰ نام آن بر سر زبانها افتاد. ابن مسکویه در بحث از حوادث سال ۳۳۰ ق (۹۴۱-۲م) تبریز را شهری با حصار استوار، احاطه شده با جنگلهای انبوه و دارای باغها تصویر کرده است. ابن مسکویه اهالی شهر را افرادی متمکن ذکر کرده است.^۵ مؤلف نامعلوم کتاب «حدود العالم» که سده‌ی ۱۰ م می‌زیسته، تبریز را «شهری کوچک اما ثروتمند، پر نعمت و آباد» ذکر کرده است.^۶

۱ . یاقوت حموی، معجم البلدان، (عربی)، جلد ۱، ص ۱۷۴

- تاریخ یعقوبی، چاپ بیروت، جلد ۲، ص ۳۷۱، البلاذری، همان، ص ۳۳۱، حدود العالم، ص ۱۵۸

۲ . ابوالفرج محمد بن اسحاق بن الندیم، (درگذشته به سال ۹۴۵)، الفهرست، قاهره، ص ۴۹۶

۳ . طبری، همان، جلد ۱، ص ۳۰

۴ . یعقوبی، جلد ۲، ص ۱۵۶ و ۱۶۴، عجایب الدنيا، ورقه‌ی ۱۹۹-۲۰۰

۵ . ابن مسکویه، ص ۶۸، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد بن الاثیر، (۱۱۶۰-۱۲۳۳)، الکامل فی تاریخ.

بیروت، ۱۹۶۶، جلد ۸، صص ۲۸۸ و ۲۸۹

۶ . حدود العالم، چاپ تهران، ص ۱۵۸

در اواخر سده‌ی ۱۰م نام تبریز را در میان شهرهای بزرگ می‌بینیم. ابن حوقل تبریز را «شهری زیبا، آباد با اهالی بسیار» نامیده و می‌نویسد در این شهر که دارای بازارهای بسیار است، بازرگانی پر رونقی جریان دارد. روسریهای بافت تبریز بی‌نظیرند.^۷ المقدسی (۱۰۳۸-۹۸۶م) در بحث از آبادی تبریز می‌نویسد: «تبریز شهری استوار است... مسلمانان می‌توانند به آن مباحثات کنند. از نهرهای آب جاری است. درختان در اطرافش به هم آویخته‌اند. از فراوانی میوه‌ها و ارزانی قیمت‌ها نپرس... در مرکز شهر مسجد جامع است... زیبایی آن فراوانند. تبریز و مغان تماماً باغ است. هر دو اینها فخر ممالک اسلام و رحام هستند.»^۸

قطران تبریزی بیان می‌کند که تبریز در میان زلزله‌های سال ۲۴۴ تا ۴۳۴ ق/ ۹۵۳ تا ۱۰۴۳ ق یعنی تقریباً ۲۰۰ سال شهری آباد، بزرگ و مرکز تجارت و صنعت بوده است. او می‌نویسد: «شهری زیباتر از تبریز در جهان نبود. شهر اهالی بسیار، صنعت گران و خوانندگانی ماهر داشت. امیر، بنده، سالار، صنعتکار و تاجر هر کدام به کار خود مشغول بودند. در این شهر که در عرض ۲۰۰ سال سر به فلک ساییده، خانه‌ها، ایوانها، حصارهای بلند توجه را جلب می‌کرد. در امانت و امنیت، دولت قدرت، زیبایی و نیکی شهری بهتر از تبریز نبود... در اینجا بناهایی مانند بناهای بهشتی وجود داشت.»^۹

در اثر زلزله‌ی ۴۳۳ ق/ ۱۰۴۲م تعداد ۴۰ تا ۵۰ هزار نفر در تبریز کشته شدند. قسمتی از شهر تماماً ویران گردید. حصار، بازارها و اکثر بناها خراب شدند.^۹ ناصر خسرو قبادیانی که ۴ سال پس از این زلزله به مدت ۲۴ روز در تبریز بوده، می‌نویسد هنگامی که من در تبریز بودم، ابومنصور وهسودان بن محمد حاکم آنجا بود. تبریز هم چون شهری بزرگ و آباد دیده می‌شد. ولی به من گفتند که قسمتی از شهر به علت زلزله ویران شده و قسمت دیگر نیز آسیب دیده است.^{۱۰}

از موارد بالا روشن می‌شود که نیمی از تبریز تماماً ویران شده ولی پس از زلزله دوباره ساخته شده است. البته شدنی نبود که در عرض ۴ سال شهر به حالت پیش از زلزله درآید. ولی شهر تا حد معینی آباد شده بود. قطران تبریزی می‌نویسد: «شهر در نتیجه‌ی کوشش وهسودان و پسرش دوباره آباد شد و از عراق و خراسان هر دو آبادتر گشت.»^{۱۱}

در دوره‌ی فرمانروایی خاندان روادیان حتی تا دوره‌ی هجوم طغرل بیگ (۱۰۶۳-۱۰۳۸م) به آذربایجان، تبریز پایتخت آذربایجان بود.^{۱۲} امیر وهسودان حاکم تبریز تابع طغرل گشته و خطبه به نام او خواند، هدایایی تقدیم کرده و پسرش را به عنوان گروگان نزد او فرستاد. بدین ترتیب او بر فرمانروایی‌اش ابقاء شد.^{۱۳}

در دوره‌ی حاکمیت شمس الدین ایلده‌گز (۱۱۷۴-۱۱۳۶م) تبریز پایتخت ایلده‌گزبان بود. جهان پهلوان این شهر را که دارای اهالی بسیار و شهرت فراوان بود، در سال ۵۷۰ ق/ ۱۱۷۵م به برادرش اقطاع داد.^{۱۴} در ۵۸۲ ق (۷-۱۱۸۶م) یعنی پس از حاکمیت قزل ارسلان بر آذربایجان، تبریز بیشتر رونق یافت. تبریز در این زمان نه تنها در میان شهرهای ایران و آذربایجان شهری آباد بود بلکه پایتخت آذربایجان نیز به شمار می‌آمد.^{۱۵} تبریز پس از استیلای قزل ارسلان بر آنجا در ۵۷۰ ق/ ۱۱۷۵م به پایتخت دائمی کشور تبدیل شد. ولی گاهی نخجوان نیز پایتخت ایلده‌گزبان بود.^{۱۶}

تبریز در زمان حاکمیت نصرت الدین ابوجعفر جهان پهلوان (۱۱۹۱-۱۱۷۷م)، اتابک ابوبکر

۷. ابن حوقل. کتاب المسالك و الممالك. چاپ لیدن. ۱۸۷۲. ص ۲۴۶. ترجمه‌ی فارسی. ص ۹۲

۸. المقدسی. همان. ص ۳۷۸. دیوان قطران تبریزی. ص ۲۰۸

۹. ناصر خسرو. همان. ص ۶. ابن اثیر. جلد ۹. ص ۵۱۳

۱۰. همان. ص ۶

۱۱. دیوان قطران. صص ۲۵۰ و ۲۵۱

۱۲. احمدکسروی. **شهریاران گمنام**. بخش ۲. تهران. ۱۳۳۵. ص ۲۰۵

۱۳. ابن اثیر. جلد ۹. ص ۵۹۸

۱۴. ن.ک: کتاب ضیاء بنیادوف درباره‌ی اتابکان آذربایجان. باکو. ۱۹۷۸. ص ۷۳

۱۵. مجید بهرام. **جغرافیای تاریخی و آثار باستانی تبریز**. مجله‌ی بررسیهای تاریخی. ۱۳۴۹. شماره‌ی ۴.

ص ۲۰۶

۱۶. Raiif, Mammadof. Nakhchivan shaharinin tarikhi ocherki. Baki. ۱۹۷۷. se. ۷۲-۷۷

همچنین ن.ک: شریفلی. همان. صص ۳۱۲ و ۳۱۳

(۱۲۱۰-۱۱۹۱م) و برادرش ازبک (۱۲۲۵-۱۲۱۰م) به مثابه‌ی پایتخت دولت از نظر اقتصادی بسیار پیشرفت کرد. ضیاء بنیادوف می‌نویسد که دوره‌ی اتابکان، دوره‌ی شکوفایی شهرهای آذربایجان بود. در هر کدام از شهرهای نخجوان، بیلقان، تبریز و شماخی ۱۰۰ هزار و شاید بیشتر جمعیت وجود داشت.^{۱۷}

یاقوت حموی که در سال ۶۱۰ ق (۱۲۱۳-۱۲۱۴م) در تبریز بوده می‌نویسد: «تبریز از شهرهای مشهور آذربایجان است، اهالی آن بسیارند. حصارى استوار از آجر و گچ دارد. اطراف این شهر زیبا و آباد را باغها احاطه کرده‌اند. در اینجا قیمت میوه بسیار ارزان است... در اینجا پارچه‌های عتابی، سیگلاتون (ابریشم- طلا، پارچه)، ختایی و اطلسی بافته شده و به سرزمینهای شرق و غرب فرستاده می‌شود.»^{۱۸}

بدین ترتیب از اواخر سده‌ی ۹ تا اواسط سده‌ی ۱۱ م دوره‌ی پیشرفت اقتصادی تبریز بود. کشمکشهای داخلی خانجانی، ضربه‌ای سنگین بر حیات اقتصادی شهر وارد کرد. ولی تبدیل تبریز به پایتخت اتابکان در دوره‌ی فرمانروایی اتابک شمس‌الدین ایلده‌گز، تأثیری مثبت بر پیشرفت اجتماعی- اقتصادی شهر نهاد. شهر بسیار بزرگ شده^{۱۹} و این مرحله‌ی باشکوه تا سال ۶۲۲ ق/ ۱۲۲۵ م ادامه یافت.

۱۷ . بنیادوف. همان. ص ۱۸۸

۱۸ . یاقوت حموی. **معجم البلدان**. تهران. ۱۹۶۹. جلد ۱. ص ۸۳۲

۱۹ . عجایب الدنيا. ورقه‌ی ۱۹۹